

برنامه و آقای محمد امینی

امیرفیض- حقوقدان

به همت جاوید ایران در جریان برنامه رودست بمدیریت ایرانیارگرامی آقای امید دانا قرار گرفتیم.

برنامه مزبوررامیتوان در زمینه های حقوقی از باب ادعائمه و دفاع، در محکمه افکار عمومی ارزیابی کرد؛ ادعائمه علیه آقای امینی از موارد و مسائلی بسیار پیچیده و محروم و مکتوم از نظارت و آگاهی عامه شکل گرفته بود که تنظیم آن میتواند یک کار بسیار سنگین و استثنائی شمرده شود و اینهمه کوشش برای جمع آوری مدارک و دلایل واقعا که کاری فوق العاده درخور تحسین و دقت در طرح مسائل است.

همینقدر اشاره کافی است، این ارادتمند که سالهاست کار تحقیقی میکنم حد خود را در مقام شایستگی تجلیل از دقت و دامنه وسیع تحقیق برنامه رودست نمیدانم.

اما دفاع آقای امینی

در اظهارات آقای امینی که در همان برنامه پخش شد موردی که متوجه تکذیب ادعائمه باشد ندیدم در حالیکه ادعا نامه بدون تکذیب مورد و ارائه دلایل، باعث رسوب توجه حقیقت به ادعائمه میشود.

آقای امینی بجای دفاع و رد ادعائمه رودست عباراتی را بکار بردند که در علم منطق به سفسطه معروف است. سفسطه، یعنی عنوان کردن مطالبی بدون همراهی دلیل و منطق و هدف استفاده از این طریق این است چیزی را که سفسطه گر میخواهد، از مجرای کلام به طرف بقبولاند.

اجمال دفاع ایشان این بود که کدام کسی است که دارای پیشینه نباشد (۱) کدام کس است که کژراهی نرفته باشد (۲) گرفتاری نداشته باشد (۳) اینها پرونده میسازند و همه چیز را از دریچه توطئه و برنامه ریزی و افشاگری نگاه میکنند (۴) و فریاد میزنند که ۴۰ سال پیش فلان کس چنین حرفی زده است مگر باید یکی باشد (۵)

دریافت نگرانی ایشان

دریافت کلی از اظهارات ایشان، نگرانی از مراجعه و رویکرد پیشینه اشخاص و خودشان است.

این امر نه تنها دفاع محسوب نمیشود بلکه نگرانی نا موجهی هم هست زیرا هرگونه همکاری چه اجتماعی و یا سیاسی و حتی تفریحی نیازه پیشینه مناسب افراد است امروزه برای ساده ترین استخدام نیاز به پیشینه روشن و پاک است از سال ۱۳۳۲ که برخی ایرانیان خائن به شور، با سفارت آمریکا داوطلب همکاری میشدند بوسیله ماشین دروغ سنجی شخصیت آنها برای همکاری تائید و یارده میشد امروز هیچ نوع همکاری سیاسی و اجتماعی و حتی مشارکت در امورات اقتصادی بدون توجه به پیشینه افراد عملی نمیشود بغیر از دستگاه های فنی و علمی موسساتی هستند که پیشینه های افراد مورد

درخواست را جمع آوری و در اختیار متقاضی قرار میدهند. هرکس در هر کار و فعالیت وارد میشود تکلیف اوست که پیشینه کاری و سوابق و امتیازات و یا تحولات کاری خود را آشکار کند و اگر نکرد در مظان خواهد بود و اصل مورد عمل جامعه هم این است که از ظن و گمان میهراسد و باطناب پوشیده احتمال وزن و گمان خود را آویزان مشکلات نمیکند.

چرا باید آقای امینی التهاب خاصی نسبت به پیشینه یابی افراد و خودشان نشان بدهند این مصداق (چوب را که بلند کنی گربه دزده فرار میکند) است.

انسانها تنها از طریق پیشینه ای که دارند قابل شناسائی میباشند نه ظاهر افراد و نه اظهارات آنها و نه تعاریف دیگران. فلسفه <اول طریق بعد رفیق> به همین معناست که اول از پیشینه اخلاقی و صفات دوستی و وفاداری اشخاص مطلع بشوید و بعد طرح رفاقت افکنید؛ و در همکاری سیاسی اول بفهمید که طرف چند مرده حلاج است آیا دو روست، آیا ظاهر و باطن دوتا است آیا غیر قابل اعتماد و رفیق قافله و شریک دزد است آیا عقیده سیاسی شاخص او چیست هماهنگ با هدف شماست یا خیر داستان گرگ به لباس میش است؟

اینکه امثال آقای امید دانا پیشینه افراد را بازگوئی کنند این خدمت به مبارزه و کسائی است که دست تحقیق و آشنائی با پیشینه دیگران ندارند مانند یک دستگاه اطلاعاتی است که خطری وجودی افرادی را به عموم گوشزد میکند. از منطوق اظهارات آقای امینی اینگونه فهمیده میشود که ایشان موضوع را منطبق با تفتین گرفته است. ولی این با تفتین تفاوت دارد تفتین معمولاً ناشی از حسادت و یا هدف دست اندازی موقعیت و مقام اشخاص است. عمل آقای امید دانا مصداق <اگر بینی که نابینا به چاه است؛ اگر دستش نگیری آن گناه است> میباشد.

تصور نمیکم در هیچ امری امروزه مسئله توجه به پیشینه افراد یک امر غیر لازم تلقی و یا از استقبال و نیاز جامعه کنار رفته باشد که آقای امینی با این قوت قلب به این اقدام میهنی عنوان پرونده سازی و برنامه ریزی میدهند.

تحلیلی بر مراتب دفاع ایشان

نخستین توجه اینجاست که ماهیت اتهام و زمینه هائی که سبب طرح آن شده و ازارکان تمایز و ارتباط دفاع از ادعا نامه است در اظهارات آقای امینی ملحوظ نگردیده و اساساً اینکه قضاوت برگردش جرم در زمان و مکان و موضوع محدود و مشخص است، در افکار آقای امینی حضوری نداشته است. از باب نمونه کسی که به اتهام افشای اسرار نظامی تحت ادعای نامی قرار میگیرد باید دفاعش مترتب بر موضوع افشای اسرار نظامی در زمان و مکان مشخص باشد؛ نمیتواند کلی گوئی کند و بگوید خوب هرکس یک کژ راهی رفته است؛ و هیچکس نیست که گرفتاری نداشته باشد؛ این عبارات که آقای امینی بکار گرفته یک نوع سفسطه است که از نظر حقوقی اعتراف و تسلیم به ادعای نامی محسوب میشود و رابطه بین آنها و ادعای مطرح شده علیه ایشان بکلی مفقود است.

سفسطه است زیرا

(۱) البته که هرکس دارای پیشینه است و انسان معنوی مجموعه ای از پیشینه های اوست ولی مطلب این است که کدام پیشینه، مورد اشاره آقای امینی است و کدام پیشینه، مورد توجه آقای امید داناست؟

پیشینه مورد نظر و متعلق به برنامه رودست در رابطه با پیشینه سیاسی و مربوط به مبارزه است و پیشینه مورد اشاره آقای امینی پیشینه های رفتاری و گفتاری خصوصی است حتی نه اجتماعی زیرا بار پیشینه های ناشی از روابط اجتماعی همانند پیشینه های سیاسی متعلق به آثاری است که در نهایت به حقوق عمومی کشیده میشود.

مبارزه سیاسی با جمهوری اسلامی در ماهیت جنگ است و همانطور که در جنگ احتیاط شرط است و همانطور که سابقه افراد ازارکان اصلی قبول خدمت در جنگ محسوب است در مبارزه سیاسی هم که بقصد براندازی جمهوری اسلامی است حرف اول را پیشینه افراد میزند زیرا اصل رعایت احتیاط است.

یکی از فلاسفه میگوید: «پیروزی مدیون کشتی ها و مردان شمشیرزن نیست فقط مدیون مردان معتقد با عقیده راسخ است» و شناسائی این مهم ممکن نیست مگر با توجه به پیشینه فعالیت سیاسی و اعتقادی افراد.

برعکس در یک مبارزه مانند مبارزه ایرانیان خارج از کشور احتیاط بی معناست و همانطور که رئیس شورای تجزیه طلبان فرمودند: **<هرکس از آنطرف بیاید اینطرف مقبول است>** و نتیجه اش را می بینیم که مبارزه در وضعیتی است که دوغ و دوشاب قابل شناسائی نیستند و تا آنجا این فساد علنی است که پنتاگون اعلام کرده که به بهانه زندان عوامل جمهوری اسلامی در اپوزیسیون حضور یافته اند.

علت این افت بزرگ همین است که به پیشینه آن افراد التفاتی نمیشود و حال و اظهارت کنونی آنها ملاک قرار میگیرد و گفته میشود (خوب سالها قبل فلان بوده حالا که نیست؛ حالا آمده این ور) اصل احتیاط که لازمه یک مبارزه جدی است این قبیل تعارفات و خوشبینی هارا نمیپذیرد و رود یک ناقلا یک جاسوس و حتی یک متمایل به اردوی دشمن کافی است که چنان به سرمایه مبارزه بیاورد که آورده است.

مثالی برای تقرب به موضوع

مثالی آورده میشود؛ آقای امینی اگر تقاضای عضویت حزب کومله را بنماید، اگر آن حزب به پیشینه ایشان رجوع کند که حتما خواهد کرد چون پیشینه مخالفت با تجربه طلبی را دارد (حسب اعلام رودست) آن پیشینه سبب رد تقاضای عضویت ایشان خواهد شد ولی همین آقای امینی اگر به شورای تجزیه طلبان که با هدف تجزیه ایران تشکیل شده برای عضویت رجوع کند چون شورای مزبور بر قاعده پیشینه، عضو نمیگیرد و اهمیتی به پیشینه افراد نمیدهد و بهمین دلیل آجی نازیلا سکرتر کروی و موسوی (اصلاح طلبان) و سبز سفارت که عوامل جمهوری اسلامی هستند چنان درهم قاطی شده که مهره و خرمهره از هم قابل شناخت نیستند بر راحتی قبول عضویت آقای امینی عملی میشود (حکم

اول قطعه نامه شورای تجزیه طلبان امضا و بعد ملاقات و یا گفتگو شود) دلیل و لنگاری در شورای تجزیه طلبان و شاهد موضوع است.

این تحریر هم اکنون از آقای امینی سوال میکند که آیا شیوه عمل حزب کومله در رجوع به پیشینه افراد درست و معقول است یا شیوه شورای تجزیه طلبان که هر که از راه رسید وصله تن شورا میشود و اگر اولی را درست میدانند یک تجلیل و عذرخواهی رابه رودست بدهکار است.

(۲) کژراهه

اظهار آقای امینی مبنی بر آنکه هیچکس نیست که کژراهه نرفته باشد، نیاز به توضیح دارد کژراهه داریم تا کژراهه. همه افراد در زندگی خصوصی ممکن است کم و یازاید کژراهه رفته باشند ولی آنکه بعد از رسیدن به سن مسئولیت نسبت به منافع ملی و کشور راه کج میرود عنوان قانونی و عرفی و سنتی آن کژراهه نیست **خیانت** به کشور و جامعه و جرمش از حقوق عمومی است و نه قابل عذرخواهی است و نه دارای شاکی خصوصی است که باگذشت او از قضیه رفع رجوع شود.

اتهاماتی که در ادعای رودست مطرح شده از مبانی تضييع حقوق عمومی و خیانت است و برخلاف ادعای آقای امینی این کژراهی چیزی نیست که همه افراد آن راه رارفته باشند. در کشوری که نظم و نسق دارد کژراهی مورد اشاره باعث مجازات و سلب حقوق اجتماعی و سیاسی میگردد.

(۳) ادعای حرف

از آقای امینی تعجب میکنم، حرف باد هوا که نیست. حرف متعلق به آثار است > یک نه بگو ۹ ماه رودل نکش < نشانگر باور مردم به تاثیر حرف است؛ حرف سبب اغوای جوانان میشود. با حرف و شعار است که مملکت به آتش کشیده میشود که کشیده شد. حرف مقدمه عمل است؛ حرف از آتش گداختگی و وسعت عملش بیشتر است. تاثیر حرف، رابطه با شخصیت و مقام را دارد. کلمه طاغوت که شعار شورشیان شد یک کلمه است ولی محتوای آن و حکم در آن را آیا میتوان نادیده گرفت؟! > حرف ناحق خون شود تا حق شود. حرف گاه بیان عین است (سخنوری) و گاه بیان معنا و مقصود.

حکیم مولوی بیتی دارد که میگوید:

سخن وری و سیاست زهم جدا باشند چنانکه عالم معنا و عالم محسوس

بیان مقصود و معنا، یعنی بیان اعتقاد، چه سیاسی و چه مذهبی، حرف بیان اعتقاد، همیشه یکسان است چون اعتقاد یکسان است. اعتقاد، گل آفتاب گردان نیست که هر ساعت برنگی درآید؛ در فرهنگ ایرانی کسی که در اعتقاد راسخ و پایدار نباشد مرد شناخته نمیشود (حرف مرد یکی است). اعتقاد هم زمان بردار نیست که آقای امینی برای آن مرور زمان ۴۰ ساله قائل شده است؛ حرف، اعم از اینکه بیان عین و یا بیان مقصود باشد اگر متلون و یایکسان نبود، گوینده آن بی مقدار شناخته میشود، > اروپائیان بوش را بمناسبت حرفهای ضد و نقیضش مسخره میکنند <

(نیویورک تایمز)

بازگشت به حق

کوشش اخلاقی بشریت بستن راه ناحق و گشودن راه حق است توبه در ادیان، بازگوکننده همین تلاش انسانی است. توبه ورق خوردن پیشینه فرد است، برای اجازه ورود به پیشینه ای که از راه حق مفروش است.

باورق خوردن پیشینه افراد راه حق گشوده نمیشود مگر بارعایت ارکانی که عبارتند از ندامت واقعی که بابیان و روشنی قلب گفته میشود - تصمیم برترک عمل در آینده - جبران گذشته در موارد تعدی به حقوق خصوصی و طلب بخشش.

کرت فریشلر آلمانی در کتاب امام حسین در ایران فصل مسبوطی در چندین صفحه به تحقیق و بازجویی از یکی از سرداران مشهور یزید بنام حر بن ریاحی که به اردوی حسین فرزندعلی در آمد و حاضر به خدمت در جبهه اوشد تخصیص داده آنقدر این تحقیقات دقیق است که انسان حیرت میکند از حساسیت آن عربهای ۱۴۰۰ سال قبل به اصالت و پاک بودن مبارزه با ایرانیان امروز که آنقدر به اصالت جبهه مبارزه بی اعتنا هستند.

کرت فریشلر در همان مبحث این توصیه را میدهد: **حوقتی یکنفر از دسته ای جدا شده و به دسته مخالف ملحق میشود باید توضیح دهد که چرا از دسته خود جدا شده و چرا به دسته مقابل پیوسته است و اگر آن توضیح راندهد و یا توضیحی قانع کننده نباشد در نظر دسته دوم یا مظنون جلوه میکند و یا به شکل خاصی جلوه میکند که دارای اراده ثابت نیست و هر روز بیک دسته ملحق میشود**

(همان کتاب صفحه ۲۱۲)



یک نگاه سطحی به توصیه کرت فریشلر و موقعیت آقای محمد امینی و بیان پیشینه ایشان بوسیله خواننده محترم این تحریر را در موقعیت تصمیم گیری قرار خواهد داد.

موقعیت کاری بازگشت کنندگان براه حق

در ادعای نام آقای امید دانا اشاره ای بود بر اینکه امثال آقای محمد امینی اگر بخواهند براه حق بازگشت کنند جایگاهی در مبارزه خواهند داشت که هرچه باشد در صاف مقدم مبارزه نیست.

گرچه نظریه ایشان ناشی از حکم احتیاط در مبارزه و از موازین عقلانی است که نمونه های برجسته ای در تاریخ کشور خودمان وجود دارد که در اثر بی احتیاطی و اعتماد ناموجه چه زیانهای وارد شده است اما چون ممکن است تحریر حاضر بر پایه بحث حقوقی بنظر برسد بهتر است از نصوص نزدیک به موضوع از جمله از عهدنامه رفتار با اسرای جنگی استفاده کرد که قرینه ای باشد برای اخذ نتیجه.

اسرای جنگی در صورتی که مایل به همکاری با دولت اسیرکننده باشند نمیتوان از آنها در امور نظامی استفاده کرد و میتوان از امور کشاورزی و حمل و نقل و خدمت در کارخانه و یا پشت جبهه استفاده نمود.

تدبیر مزبور متضمن دودست‌آورد است اول اینکه امنیت اسیرکه بعهدہ دولت اسیرکننده است رعایت شده و دوم اینکه امنیت نظامی دولت اسیرکننده تا حدودی بعلت دوری اسیران فعالیت های نظامی ممکن است تامین شود.

در تطبیق مورد کسانی که از جبهه دشمن (جمهوری اسلامی) ادعای جداسدن و پیوستن به جبهه مخالفان را دارند نباید در موقعیت و جایگاه حساس مبارزه قرارگیرند تا هم امنیت آنان محفوظ بماند و هم امنیت و سلامتی مبارزه علیه جمهوری اسلامی، و راه معقول و قابل قبول این است که آنان بانجام خدمات تبعی دوران قرنطیه خود را طی کنند.^۱

^۱ - در اعتراض به آجی نازیلا که امنیت جانی اعلیحضرت مورد نظر شورای تجزیه طلبان نیست پاسخ داده است ایشان به محافظت و گارد شخصی نیاز ندارند، علیاحضرت در شانزلیزه راه میروند و اعلیحضرت به خرید میروند و کسی به ایشان کاری ندارد. آیا فریدون فرخزاد، تیمسار اویسی، والاگهر شهریار شفیق و دیگران که در پاریس ترور شدند هم «آجی نازیلا» در کنارشان بود؟؟ ح-ک